

# سوم یوحنا رسول

قبول نمی‌کند. <sup>۱۰</sup> بنابراین اگر آیم، کارهایی را که او می‌کند به یاد خواهیم آورد زیرا به سخنان ناشایسته بر ما یاوه‌گویی می‌کند و به این قانع نشده، برادران را خود نمی‌پذیرد و کسانی را نیز که می‌خواهند، مانع ایشان می‌شود و از کلیسا بیرون می‌کند.

<sup>۱۱</sup> ای حیب، به بدی اقتدا منما، بلکه به نیکویی. زیرا نیکوکردار از خداست، و بدکردار خدا را ندیده است. <sup>۱۲</sup> همه مردم و خود راستی نیز بر دیمتریوس شهادت می‌دهند و ما هم شهادت می‌دهیم و آگاهید که شهادت ما راست است.

<sup>۱۳</sup> مرا چیزهای بسیار بود که به تو بنویسم، اما نمی‌خواهم به مرکب و قلم به تو بنویسم. <sup>۱۴</sup> اما امیدوارم که به زودی تو را خواهم دید و زبانی گفتگو کنیم.

سلام بر تو باد. دوستان به تو سلام می‌رسانند. سلام مرا به دوستان نام به نام برسان.

<sup>۱</sup> من که پیرم،

به غایب حیب که او را در راستی محبت می‌نمایم.

<sup>۲</sup> ای حیب، دعا می‌کنم که در هر وجه کامیاب و تندرست بوده باشی، چنانکه جان تو کامیاب است. <sup>۳</sup> زیرا که بسیار شاد شدم چون برادران آمدند و بر راستی تو شهادت دادند، چنانکه تو در راستی سلوک می‌نمایی. <sup>۴</sup> مرا بیش از این شادی نیست که بشنوم که فرزندانم در راستی سلوک می‌نمایند. <sup>۵</sup> ای حیب، آنچه می‌کنی به برادران و خصوصاً به غریبان، به امانت می‌کنی، <sup>۶</sup> که در حضور کلیسا بر محبت تو شهادت دادند و هرگاه ایشان را بطور شایسته خدا بدرقه کنی، نیکویی می‌نمایی <sup>۷</sup> زیرا که برای اسم او بیرون رفتند و از امت‌ها چیزی نمی‌گیرند. <sup>۸</sup> پس بر ما واجب است که چنین اشخاص را بپذیریم تا شریک راستی بشویم.

<sup>۹</sup> به کلیسا چیزی نوشتم اما دیوترفیس که سرداری بر ایشان را دوست می‌دارد، ما را